

مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق

علی اصغر اسماعیل زاده^۱

علی بقایی^۲

شهلا عمیدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۶

مخفیانه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین رابطه‌ها، روابطی است که میان زن و شوهر وجود دارد. بنابراین، دستیابی به اطلاعاتی در این زمینه بسیار مشکل و حتی در شرایطی غیرممکن خواهد بود. هدف پژوهش حاضر آن است تا با استفاده از روش مرور سیستماتیک، مجموعه‌ای از عوامل موثر بر طلاق را ارائه نماید. برای دستیابی به این هدف، مطالعات انجام شده در مورد عوامل تاثیرگذار بر طلاق گردآوری و بررسی شدند. تمامی مطالعات مربوط به عوامل موثر بر طلاق، فارغ از کیفیت این مطالعات گردآوری و در نهایت، ۲۳ مطالعه برای ورود به "مرور سیستماتیک" پذیرفته شدند. مجموع حجم نمونه در آثار بررسی شده، جمعیتی بالغ بر ۵۷۷,۹۵۷ نفر از زوجین مطلقه، متقاضی طلاق و زوجین عادی را تشکیل دادند که می‌تواند باعث اعتبار هر چه بیشتر نتایج مطالعه حاضر باشد. استفاده از نظریه‌های همسان همسری، مبادله، شبکه و قشربندی اجتماعی را می‌توان ویژگی مشترک -تقریباً- تمام مطالعات انجام شده در زمینه طلاق در ایران دانست. نگاهی به نقشه جغرافیایی طلاق در سطح کشور، از تفاوت میزان و علت‌های وقوع طلاق براساس تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی حکایت دارد. ویژگی منحصر به فرد مطالعه حاضر، شناسایی مدل‌های استفاده شده در مطالعات مربوط به طلاق و ارائه یک "تئوری ترکیبی" است.

واژگان کلیدی: طلاق، مرور سیستماتیک و تئوری ترکیبی

E-mail: a.esmaelzadeh@gmail.com

^۱ عضو هیئت علمی، جهاد دانشگاهی خوارزمی (نویسنده مسئول)

^۲ دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

^۳

مقدمه

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با تغییرات، چالش‌ها و نیازهای جدیدی مواجه کرده و طی همین مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است. (Amato, 2001: 35) در کشور ما نیز در سال‌های اخیر، با رشد نگران کننده میزان طلاق رو به رو بوده‌ایم. مروری بر آمار این واقعه در کشور طی سه دهه گذشته نشانگر روند رو به افزایش این پدیده است؛ به طوری که از ۱۸۰۲۱ مورد واقعه در سال ۱۳۵۶ به ۳۳۴۳۳ مورد در سال ۱۳۶۶ و ۴۱۸۱۶ مورد در سال ۱۳۷۶ رسیده است. (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۸۸)

جدیدترین آمار طلاق نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۲ تعداد ۱۵۸ هزار و ۷۵۳ طلاق در دفاتر طلاق به ثبت رسیده که در مقایسه با سال ۱۳۹۱، ۴/۶ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۳۹۱ نیز تعداد طلاق‌های ثبت شده نسبت به سال ۱۳۹۰ معادل ۴/۸ درصد رشد داشته است. با بررسی بیشتر می‌توان گفت طی ۵ ساله اخیر، تعداد طلاق‌های ثبت شده هر سال افزایش یافته که این افزایش در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۷ درصد، در سال ۱۳۸۹ بیش از ۱۰ درصد و در سال ۱۳۹۰ بیش از ۷ درصد بوده است. بیشترین آمار طلاق مربوط به استان‌های البرز و تهران و کمترین مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و یزد می‌باشد. (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ۱۳۹۳)

در مجموع، اطلاعات آماری ایران در مورد طلاق، بیانگر افزایش شمار آن می‌باشد. (Zahirodin, 2003:48) در سال‌های اخیر میزان طلاق در ایران افزایش بیشتری داشته است. هم‌اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد. (Foroutan, 2008:12) جدول زیر تعداد پرونده‌های مختوم شده طلاق را در مراجع مختلف قضایی تهران بین سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد.

جدول ۱: پرونده‌های مختوم شده طلاق در دادگاه‌های عمومی استان تهران

سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۵	۱۳۸۶
تعداد	۲۷۲۶۷	۳۴۶۱۳	۳۸۹۳۵	۳۸۱۹۰	۳۲۱۹۴	۴۲۷۸۷	۱۸۹۱۰

مأخذ: (دادگستری کل استان تهران، ۱۳۸۸)

طلاق، منجر به بروز اختلال‌های اساسی در زندگی کودکان می‌شود و مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است و بالا رفتن آن نشانه بارز اختلال در سیستم اجتماعی و روابط فردی- خانوادگی است. (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۸۸) نتایج تحقیقات نشان داده است که بچه‌های

والدینی که طلاق گرفته‌اند در مقایسه با بچه‌های والدینی که با هم زندگی می‌کنند، در متغیرهای سازگاری روانی، خودپنداره، تحصیلات دانشگاهی و روابط اجتماعی نمرات پایین‌تری دریافت نموده‌اند. (Amato and Keith, 2001: 355)

در کنار افزایش میزان طلاق و پیچیده‌تر شدن پیامدهای منفی طلاق بر والدین، کودکان و جامعه، به همان میزان شاهد رشد فزاینده تحقیقات در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی از جمله در زمینه طلاق بوده‌ایم؛ به عبارت دیگر، مسائل اجتماعی در جامعه ما نسبت به سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی گسترش بیشتری یافته و حجم قابل توجهی از پژوهش‌های انجام شده در عرصه علوم اجتماعی به پژوهش‌های آسیب‌شناسی اجتماعی اختصاص پیدا کرده است. (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۹: ۶۸) اما این حجم گسترده، خود جنگلی از داده‌ها را فراهم آورده که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد این حوزه را تا حدود زیادی ناممکن ساخته است. نتایج مطالعات در این زمینه نیز در مقایسه با هم متفاوت بوده‌اند. به عنوان مثال، در تحقیق فرجاد با عنوان "پژوهش علمی پیرامون طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی" مهمترین علت تقاضای طلاق، ناسازگاری‌های رفتاری بیان شده، در حالی که در تحقیق قطبی و همکاران با عنوان "وضعیت طلاق و عوامل موثر بر آن"، مهم‌ترین عامل طلاق عدم تفاهم بوده است. در مجموع، پژوهش‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی از روش معینی پیروی نکرده و بیشتر تابع سلیقه و علاقه پژوهشگر بوده است. (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۷) بنابراین، در این حوزه با انباشت تحقیقات و پایان‌نامه‌هایی رو به رو هستیم که بصورت جزیره‌ای انجام شده‌اند و به نظر می‌رسد انجام یک مرور سیستماتیک بتواند چکیده و نتایج تحقیقات را در یک موضوع خاص به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی فراروی پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار دهد. مشکل دیگر این است که با وجود انجام پایان‌نامه‌ها و تحقیقات فراوان در این حوزه، فقط یک تحقیق فراتحلیلی در مورد طلاق انجام شده است که آن هم تفاوت‌هایی با تحقیق حاضر دارد. علاوه بر این، پدیده‌های مورد مطالعه علوم اجتماعی به دلیل آن که موجود انسانی موضوع اصلی و عمده تحقیق می‌باشد، پیچیده‌تر از آن است که بتوان در چهارچوب مطالعه واحدی به تبیین آنها پرداخت. لذا سوال اساسی تحقیق این است که طبقه‌بندی و دسته‌بندی پژوهش‌های اجتماعی انجام شده در زمینه طلاق چگونه ممکن است؟

ترکیب و تلفیق دیدگاه‌های نظری، یکی از چالش‌های ساختاری جامعه‌شناسی در چند دهه اخیر بوده که نه تنها نتایج رضایت‌بخشی در بر نداشته، بلکه حتی بقول "گیدنز" بحث بی‌فایده‌ای نیز بوده است. در بررسی طلاق، هر نظریه‌ای از دیدگاه خاصی به این پدیده می‌نگرد و واقعیت این است که تنها یک رویکرد نظری مسلط بر کل تحقیق، وجود ندارد - ممکن است این امر، نشانه‌ای از ضعف محقق باشد، زیرا رفتار انسانی، پیچیده و دارای جنبه‌های متعدد است و بسیار نامحتمل است که یک دیدگاه نظری برخاسته از زمان و مکان ویژه به تنهایی بتواند همه جنبه‌های پدیده طلاق را در طبقات اجتماعی در برگیرد. گوناگونی در تفکر نظری، منبعی غنی از اندیشه‌ها را فراهم می‌سازد که می‌توان از آن در این تحقیق استفاده کرد. تحقیق حاضر کوشیده است تا ضمن جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف، به تدوین نظریه‌ای ترکیبی مبادرت ورزد.

از آنجا که یکی دیگر از اهداف این تحقیق، دستیابی به علل منجر به طلاق و همچنین دسته‌بندی نظریه‌ها جهت تبیین طلاق در نمونه‌های آماری مورد بررسی می‌باشد، نویسنده مقاله کوشیده است تا - به اختصار - نگاه جامعی در حوزه طلاق را بر اساس نمونه‌های مورد بررسی در مطالعه حاضر ارائه نماید. در مجموع، دیدگاه‌های موجود پیرامون طلاق را می‌توان به سه دسته کلی جامعه‌شناختی (کلان، میانه و خرد)، روان‌شناختی و روان‌شناختی - جامعه‌شناختی تقسیم نمود. از نظر آنتونی گیدنز، هر تحقیقی در علوم اجتماعی با کنش یا ساخت سر و کار دارد. (ریتز، ۱۳۷۶: ۶۰۰) گیدنز در تحلیل جامعه‌شناسی خرد و جامعه‌شناسی کلان اعتقاد دارد که ترکیب خرد و کلان می‌تواند برای جامعه‌شناسی مفید باشد.

نظریه‌های تبیینی طلاق در سطح کلان

این سطح تحلیلی به ساختار جامعه ایران می‌پردازد و میزان آسیب‌زایی آن را مورد بحث قرار می‌دهد. آسیب‌زایی جوامع از شرایط و تحولات تاریخی آنها برمی‌خیزد که به فرد تحمیل می‌شود. برای مثال، جامعه ایران قرن‌ها دارای ساختار سیاسی استبدادی بوده و بر محور مرد سالاری به حیات خود ادامه داده است. از این رو، بسیاری از ناسازگاری‌های خانوادگی در تحلیل نهایی به تضاد بین مرد سالاری سنتی و انعکاس شیوه‌های استبدادی در نظام خانوادگی، از یک سو و دادن نقش‌های صوری به زن (در رابطه با تحولات جدید) از سوی دیگر باز می‌گردد.

در جامعه‌شناسی کلان، توجه به فشارهای ساختاری، بی‌هنجاری، از خود بیگانگی و عوارض ناشی از تقسیم کار در جامعه مدرن، از مفاهیم عمده به شمار می‌آیند. بروز دگرگونی و تغییرات اجتماعی مربوط به ساخت هستند. در این سطح، توجه به برهم خوردن ساختاری اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم است. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی معلول علل متعددی چون: مشکلات مالی و یا ناسازگاری میان افراد و خانواده ها می باشد. از دیدگاه جامعه‌شناسی کلان می توان گفت که یکی از عوامل گسترش طلاق در ایران بخصوص شهر تهران، برهم خوردن ساختاری اقتصادی و اجتماعی است که این امر دگرگونی اجتماعی را در پی دارد، زیرا بسیاری از بخش‌های سنتی را دستخوش دگرگونی، جابه‌جایی، بی‌ثباتی و تزلزل نموده است. توسعه شهرنشینی، تحول طبقاتی، پیدایش مشاغل جدید، اشکال جدید تقسیم کار اجتماعی و تقاضا برای زندگی مدرن موجب سست شدن اخلاق مشترک در جامعه شده است. پدیده طلاق با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی می‌تواند از دو بُعد جامعه‌شناسی کلان و خرد مورد ارزیابی قرار گیرد.

نظریه‌های تبیینی طلاق در سطح خرد

در سطح جامعه‌شناسی خرد به ذهنیت افراد می‌توان اشاره نمود که موجب تغییر نقش‌های محوله و تضاد نقش‌ها در ساختار خانواده می‌گردد. در این سطح، افراد متقاضی طلاق مطرح می‌شوند و ویژگی‌های فردی، کنش‌ها و روابط متقابل نمادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سطح خرد در واقع، سطح بروز واقعیت طلاق و نقطه شروع تحقیق طلاق است. در ترکیب نظریه‌های طلاق، تئوری ساخت‌یابی آنتونی گیدنز بسیار موثر بود.

طلاق یک فرایند روان‌شناختی

این دیدگاه، توصیفی روان‌شناختی از پدیده طلاق است. نظریه تحلیلی کسلا^۱ (۱۹۵۷) بر اساس مشاهدات بالینی وی طی سال‌ها کار بر روی افرادی که طلاق گرفته‌اند، شکل یافته است. از دیدگاه وی، فرایند طلاق به هفت مرحله هیجانی یا عاطفی تقسیم می‌شود: الف. مرحله بیداری^۲ یا آگاهی اولیه؛

¹ Kesler

² Disillusion

ب. مرحله افول ۱ علاقه یا تقلیل ارتباط زن و شوهر؛ ج. مرحله کناره گیری ۲؛ د. مرحله جدایی فیزیکی یا جسمی ۳؛ ه. مرحله ماتم؛ و. مرحله آگاهی یا بیداری ثانویه ۴. ز. مرحله کشف خود و تلاش جدی. کسلسر تاکید می کند که افراد مختلف این هیجانها را به طرق متفاوتی تجربه می نمایند؛ به گونه ای که نقطه شروع و خاتمه فرایند به خوبی مشخص نیست. هم چنین، مدت زمان طی این مراحل به ساختار روان شناختی افراد بستگی دارد و ممکن است در افراد مختلف، متفاوت باشد. (نیازی و ارفعی، ۱۳۸۸: ۵۹)

نظریات روان شناختی - جامعه شناختی فرایند طلاق

طلاق نیز مانند ازدواج دارای ابعاد فردی - اجتماعی بسیار پیچیده ای است. اگرچه وقوع هر طلاق دارای ویژگی های منحصر به فرد است، اما برخی از نقاط مشترک این پدیده ما را قادر می سازد که عوامل روان شناختی - جامعه شناختی موثر بر این فرایند را مشخص سازیم. عمده ترین چارچوب های نظری در مورد طلاق در این حوزه مبتنی بر اصول تغییرات اجتماعی است. (رایت ۵، ۱۹۸۸) در یک عبارت کلی، این نظریه ها بر کیفیت تعاملات اجتماعی بر پایه میزان و سطح ارضای فردی تاکید می نمایند. سطح ارضای فردی به وسیله ارزشیابی میزان منفعتی که فرد از ارتباط مورد نظر به دست می آورد، تعریف می گردد.

روش شناسی پژوهش

روشی اصلی در تحقیق حاضر، مطالعه اسنادی از نوع "فرا تحلیل کیفی" و یا "مرور سیستماتیک" است که در آن تحلیل کمی اسناد پژوهشی در مورد طلاق، هدف اصلی تحقیق می باشد. این روش تلاش می کند با ترکیب نتایج تحقیقات گذشته در یک چارچوب کمی به نتایج جدیدی دست پیدا کند. از نتایج این گونه تحقیقات می توان در غنی سازی متون درسی، اصلاح و یا تغییر قانون خانواده، فرهنگ سازی از طریق رسانه های جمعی و استفاده از آن در نظام دانشگاهی سود جست. از این رو هدف از اجرای این طرح،

¹ Erosion

² Detachment

³ Physical separation

⁴ Second Adolescence

⁵ Wright

بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق است. در روش فراتحلیل، رویکرد یا مسیر واحدی وجود ندارد. (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۷۳) در این پژوهش، ابتدا گزارش های متعدد براساس موضوعات مورد مطالعه دسته بندی شدند و سپس روش های بکار گرفته شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. با توجه به جامعه آماری تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از آثار مورد نظر به لحاظ موضوعات، روش شناسی و اعتبار دسته بندی شدند و مورد تحلیل و فراتحلیل قرار گرفتند. قبل از مطالعه و بررسی متون، فرمتی بر اساس اهداف تحقیق طراحی شد که پس از آموزش نحوه تکمیل آن، فرم در اختیار تیم پژوهشی جهت استخراج داده های مورد نیاز از منابع مورد نظر، قرار گرفت.

جامعه آماری مطالعه را طرح های پژوهشی، پایان نامه تحصیلی و مقاله های علمی و پژوهشی تشکیل می دادند که در فاصله سال های ۱۳۷۸ الی ۱۳۹۰ - محدوده ای ۱۳ ساله - پیرامون طلاق انجام شده بودند. در مرحله اول، با کلید واژه های "طلاق"، "ازدواج"، "نارضایتی زناشویی" و "خانواده گسسته" در مجموع ۶۲۸۶ عنوان اثر در قالب رساله تحصیلی، مقاله (علمی-پژوهشی، همایش و ترویجی)، طرح پژوهشی و کتاب شناسایی و مطالعه شدند. در مرحله بعد، پس از مطالعه عناوین، ۲۸۵ چکیده اثر که احتمال می رفت ارتباط مستقیم با تحقیق حاضر داشته باشند نیز مورد بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی آثار از نظر فنی و شاخص های ارزیابی توسط شش متخصص حوزه آسیب های خانواده، ۲۳ مطالعه که از حداقل شرایط علمی لازم برای مرور سیستماتیک همچون: روایی و پایایی مناسب، روش نمونه گیری و روش آماری صحیح، فرضیه ها و سوال های مناسب با موضوع پژوهش برخوردار بودند، گزینش شدند. برای استخراج داده ها، از چک لیست محقق ساخته مشخصات طرح های پژوهشی استفاده شد که در دو بخش مؤلفه های شکلی و جنبه های محتوایی آثار را مورد سنجش قرار دادند. داوری لازم طی دو مرحله توسط سه نفر برحسب یک طیف ترتیبی پنج درجه ای از خیلی ضعیف تا عالی صورت گرفت. سپس این تحقیقات براساس نمره حاصل از ارزیابی، رده بندی و دارای رتبه عالی به عنوان پژوهش برگزیده در نظر گرفته شدند.

یافته های پژوهش

قبل از تحلیل داده های مربوط به نمونه های آماری تحقیق، ابتدا جهت ارائه تصویری ساختاری و کلان نسبت به مسئله طلاق در سطح کشور، کلیه مطالعات شناسایی شده در تحقیق حاضر در طول سه دهه اخیر

به تفکیک ابعاد طلاق، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. پس از اتمام این بخش، به تحلیل نمونه‌های تحقیق در دو بخش بررسی مؤلفه‌های شکلی و بررسی جنبه‌های محتوایی آثار پرداخته خواهد شد.

قلمرو رشته‌ای آثار علمی

از آنجا که موضوع طلاق و ابعاد مرتبط با آن می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار گیرد، آثار موجود هم در حوزه‌های مختلف می‌باشند. جدول زیر، حوزه‌های بررسی موضوع طلاق را به تفکیک در رشته‌های جامعه‌شناسی، حقوق، علوم تربیتی و روان‌شناسی، حقوق و سایر موارد (علوم پزشکی، فلسفه، ادبیات) همچنین در ابعاد بررسی به تفکیک توصیف ویژگی‌های متقاضیان طلاق و مطلقه (نیم‌رخ شخصیتی متقاضیان طلاق، گرایش به طلاق، شاخص‌های ازدواج و طلاق)، علل پیدایش طلاق (متغیرهای تأثیر گذار)، پیامدهای طلاق، کودکان طلاق، تبیین مسئله طلاق (طلاق به عنوان آسیب اجتماعی، گونه‌شناسی طلاق) و سایر موارد (حقوق زوجین پس از طلاق، طلاق در آیات قرآن کریم، طلاق در اصول فقه، تفسیر و زبان‌شناسی، بهداشت روانی طلاق، طلاق قضایی، تصمیمات دادگاه در مورد طلاق و تأثیرات آن، تعارض قوانین، حق طلاق، تصور از خدا در نزد زوجین متقاضی طلاق، سوء استفاده از حق طلاق، طلاق توافقی و تامین نفقه) نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، جدول زیر نگاهی ساختاری و کلان‌نگر به مسئله طلاق را در بُعد قلمرو رشته‌ای و ابعاد بررسی نمایان ساخته است.

جدول ۲: دسته‌بندی قلمرو رشته‌ای آثار علمی و ابعاد مورد بررسی طلاق

ردیف	ابعاد (زمینه‌های) بررسی طلاق	حوزه بررسی					درصد
		روانشناسی	حقوق	رشته‌های دیگر*	تربیتی	فراوانی	
۱	پیشگیری	۲	۵	-	-	۲	۴/۴
۲	توصیف متقاضیان طلاق و مطلقه	۴	۷	-	-	۱	۵/۹
۳	علل طلاق	۳۲	۲۲	-	۱	۱۲	۳۳/۶
۴	پیامدها	۵	-	-	-	-	۲/۵
۵	تبیین مسئله طلاق و تغییرات آن، طلاق به عنوان آسیب اجتماعی و گونه‌شناسی	۹	۰	۰	۰	۲	۵/۴

۱۷/۴	۳۵	۳	۱	۰	۲۲	۹	کودکان طلاق	۶
۳۰/۸	۶۲	۲	۰	۶۰	۰	۰	سایر موارد	۷
۱۰۰	۲۰۱	۲۲	۲	۶۰	۵۶	۶۱	جمع کل ستون(فراوانی)	
	۱۰۰	۱۰/۹	۱	۲۹/۸	۲۷/۹	۳۰/۳	جمع کل ستون(درصد)	

با توجه به جدول فوق، ماهیت چند وجهی مسئله طلاق را- که در طرح مسئله تحقیق هم بدان اشاره شد- می توان دریافت، زیرا این موضوع از دیدگاه جامعه شناسی، مدیریت، روان شناسی، اقتصاد، حقوق، فلسفه، جغرافیا و حتی بطور خاص در قالب میان رشته‌ای، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه طلاق (مقاله، طرح پژوهشی و رساله تحصیلی) پیرامون "علل طلاق" یا "متغیرهای تاثیر گذار بر طلاق" (۳۳/۶ درصد) می باشد. ۳۰/۸ درصد مطالعات هم در زمینه هایی چون: حقوق زوجین پس از طلاق، طلاق در آیات قرآن کریم، طلاق در اصول فقه، تفسیر و زبان شناسی، بهداشت روانی طلاق، طلاق قضایی، تصمیمات دادگاه در مورد طلاق و تاثیرات آن، تعارض قوانین، حق طلاق، تصور از خدا در نزد زوجین متقاضی طلاق، سوء استفاده از حق طلاق، طلاق توافقی و تامین نفقه بوده است. ۱۷/۴ درصد بررسی ها درباره "کودکان طلاق" و "فرزندان والدین طلاق گرفته"، ۵/۹ درصد پیرامون توصیف ویژگی‌های شخصیتی متقاضیان طلاق و "زوجین طلاق گرفته"، ۵/۴ درصد در مورد تبیین مسئله طلاق و تغییرات آمارهای طلاق و تنها ۴/۴ درصد در ارتباط با "پیشگیری و اثربخشی برنامه‌های مداخله‌ای در کاهش طلاق صورت گرفته است.

همچنین، در زمینه قلمرو رشته‌ای، ۳۰/۳ درصد مطالعات در حوزه جامعه‌شناسی، ۲۹/۸ درصد در حوزه حقوق، ۲۷/۹ درصد در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۰/۹ در سایر رشته‌ها -بیشتر در حوزه علوم پزشکی- و تنها ۱ درصد به صورت بین‌رشته‌ای بوده‌اند. وجود تنها دو مطالعه تطبیقی در مورد طلاق در زمینه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی ناشی از خلاء مطالعاتی در زمینه مطالعات بین‌المللی است.

بررسی مؤلفه‌های شکلی و روش شناسی

- معرفی قالب آثار علمی

در بخش تحلیل داده‌ها، لازم است تا آثار بررسی شده در تحقیق حاضر در چهار قالب طرح‌های پژوهشی، پایان نامه‌های تحصیلی، کتب و مقالات معتبر علمی که در نشریات علمی- پژوهشی چاپ شده بودند، معرفی شوند. البته، نباید از نظر دور داشت که شمار مطالعات پیرامون طلاق بسیار بیشتر از آثار بررسی شده در تحقیق حاضر بودند، اما به دلایل زیر از این بررسی کنار گذاشته شدند:

- بسیاری از آثار مطالعه شده در مورد طلاق، تنها در زمینه‌های حقوقی، روانشناسی، روانپزشکی، متون اسلامی و سایر حوزه‌ها بودند که خارج از هدف تحقیق به شمار می‌آمدند.

- براساس شاخص‌های در نظر گرفته شده در تحقیق حاضر، بعضی آثار از حداقل استانداردهای لازم برخوردار نبودند.

بدین ترتیب، از مجموع ۲۳ اثر بررسی شده، ۶ عنوان طرح پژوهشی، ۶ عنوان پایان‌نامه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، ۱۰ عنوان مقاله علمی-پژوهشی و ۱ عنوان کتاب بودند؛ به عبارت دیگر، ۲۶/۱ درصد آثار مورد بررسی را طرح‌های پژوهشی، ۲۶/۱ درصد پایان‌نامه‌ها، ۴۳/۴۷ درصد مقالات و ۴/۳۴ درصد را کتاب‌ها تشکیل می‌دادند.

- محل انجام پژوهش

بیشتر مطالعات مورد بررسی، در شهر تهران انجام شده و ۳۰/۴ درصد کل آثار را به خود اختصاص داده است. ۱۷/۴ درصد آثار در سطح ملی، ۱۳ درصد در استان اصفهان، ۸/۷ درصد در استان‌های خراسان، ۸/۷ درصد در سطح استان کرمانشاه، ۸/۷ درصد در سطح استان فارس، ۴/۳ درصد در سطح استان آذربایجان غربی، ۴/۳ درصد نیز در سطح استان مرکزی و ۴/۵ درصد آثار نیز در محل‌های نامعلوم انجام شده‌اند. در انتخاب آثار به عنوان جامعه آماری نیز تلاش شد تا براساس توان تحقیق، گستره جغرافیایی مطالعات انجام شده تا حد ممکن سطح کشور و یا حداقل استان‌های مهم را پوشش دهد که نتایج نیز تا حدودی آن را تایید می‌کند.

- روش تحقیق آثار

در آثار مورد بررسی، تقریباً از همه روش‌های رایج در مطالعات استفاده شده است. اما روش پژوهش غالب در آثار بررسی شده، روش پیمایشی بوده که ۵۶،۷ درصد حجم کل آثار را شامل شده است. به عبارت دیگر، پرکاربردترین روش مورد استفاده در بررسی طلاق، روش میدانی بوده است. ۱۴ درصد از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، ۸،۷ درصد از روش علی-مقایسه‌ای، ۸،۷ درصد از فن تحلیل ثانویه، ۴،۳ درصد از ترکیب پیمایش و اسنادی و ۴،۳ درصد از روش آزمایش استفاده نموده بودند- روش مطالعه ۴،۳ درصد نیز نامعلوم بود.

براساس یافته‌های فوق، متأسفانه استفاده از روش‌هایی مانند "مشاهده" و "روش کیفی" که در مقایسه با سایر روش‌ها، روش‌های توانمندتری در بررسی آسیب‌هایی همچون طلاق به شمار می‌آیند، بسیار کم‌رنگ بود. با توجه به بحث‌های نظری تحقیق، مطالعه مسئله طلاق که نیازمند ورود به یکی از خصوصی‌ترین حیطه‌های رابطه یک زوج می‌باشد، استفاده از روش‌های کیفی و ژرفانگر را جهت درک واقعی‌تر مسئله و اعتبار بیشتر یافته‌های مطالعات می‌طلبد.

- بررسی جنبه‌های محتوایی

در بخش دوم تحلیل داده‌ها، جنبه‌های محتوایی آثار با مؤلفه‌های بررسی اهداف، فرضیات تحقیق، مبانی نظری، متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق و راهکارها مورد سنجش قرار گرفتند.

- بررسی وضعیت فرضیه‌ها در آثار بررسی شده

با توجه به نتایج تحقیق، تنها ۳ اثر (۱۳ درصد) فاقد فرضیه - که اهتمام محققان را به داشتن فرضیه در پژوهش‌ها نشان می‌دهد - و ۲۰ اثر (۸۶,۹ درصد) دارای فرضیه بوده‌اند. در مجموع، ۱۶۹ فرضیه مطرح شده که میانگین آن ۷,۳ فرضیه برای هر تحقیق بوده است. حداقل تعداد فرضیه آثار ۱ و حداکثر ۲۳ فرضیه بوده که ناشی از واریانس زیاد تعداد فرضیات در مطالعات مورد بررسی می‌باشد. نکته قابل توجه در بخش فرضیه‌ها این بود که بیش از نیمی از فرضیه‌ها، اثبات شده‌اند. این میزان می‌تواند ناشی از دو مسئله باشد:

الف: این مطالعات به پشتوانه یک چارچوب نظری قوی شکل گرفته‌اند و فرضیه‌ها بیشتر از درون آن چارچوب مشخص استخراج شده‌اند. لذا مصادیق متنوع آن آموزه نظری به تکرار تأیید شده است. این آموزه نظری بیشتر در نظریه‌های شبکه، ناهمسان همسری و بویژه نظریه مبادله بوده است؛ به عبارت دیگر، نظریه‌های یاد شده، از قوی‌ترین نظریه‌ها در تبیین طلاق بوده‌اند. البته نظریه مبادله در شهرهای بزرگ بویژه تهران، بیشترین فراوانی را داشته و هرچقدر محیط اجرای مطالعات به شهرهای کوچک‌تر و سستی‌تر حرکت می‌کند، نظریه‌های "ناهمسان همسری" و بویژه "نظریه شبکه" نمایان‌تر می‌شود.

ب: بیشتر محققان، فرضیه‌های خود را به صورت تقلیدی از مطالعات دیگران اقتباس نموده‌اند و لذا تکراری هستند. در پژوهش‌های حاضر این مشکل تا حدی وجود دارد.

- بررسی مبانی نظری آثار و دسته‌بندی آنها

در بررسی آثار مشخص شد:

- مبانی نظری برخی پژوهش‌ها بسیار از هم گسیخته و مبهم بودند که به سختی می‌توان تشخیص داد که دقیقاً از کدام تئوری استفاده نموده‌اند. لذا بصورت شفاف به تئوری خاصی اشاره نکرده‌اند؛

- برخی آثار، بصورت ترکیبی از بیش از یک نظریه استفاده نموده‌اند.

- برخی آثار نیز فاقد تئوری بودند که ۱۷/۴ درصد کل آثار را شامل می‌شد.

برای تبیین علت‌های طلاق، نظریه‌های مختلفی در پژوهش‌های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ از جمله: نظریه شبکه، نظریه ناهمسان همسری، نظریه آنومی، نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز، نظریه تبیین کارکردی، نظریه انتقال فرهنگی، نظریه برچسب زنی، نظریه کنش اجتماعی، بیگانگی رابرت مرتون، تقسیم کار اجتماعی، بحران وجدان جمعی و دیگر تئوری‌ها که در بخش نظری تحقیق و بویژه مدل علی به آنها پرداخته خواهد شد. از بین انواع نظریه‌های تبیین کننده طلاق نیز نظریه "مبادله" با ۱۷/۵ درصد، بیشترین فراوانی را در بین آثار داشت. نظریه "شبکه"، ساخت گرای آنتونی گیدنز و همسان همسری از جمله نظریه‌های مهم در مطالعات مورد بررسی بودند.

جدول ۳: بررسی نظریه‌های تبیین کننده طلاق در آثار بررسی شده

مبانی نظری آثار	فراوانی	درصد
مبادله	۷	۱۷/۵
ساخت گرایی	۶	۱۵
شبکه	۵	۱۲/۵
همسان همسری	۴	۱۰
کارکردگرایی	۳	۷/۵
توسعه خانواده	۳	۷/۵
کنش متقابل نمادین	۲	۵
سایر	۱۰	۲۵
کل	۴۰	۱۰۰

در دسته بندی نظریه‌های آسیب شناسانه در مطالعات پژوهشی، هدف این است که چه نوع تئوری‌هایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته اند و چه تئوری‌هایی از سهم کمتری برخوردار بوده اند و اینکه آیا این پژوهش‌ها توانسته اند وظیفه به آزمون کشاندن تئوری‌ها را عهده دار شوند و نتیجه آزمون چه بوده است؟ در مطالعه حاضر، نظریه‌های مربوط به طلاق به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) آثاری که در سطح کلان و با نگاه ساختاری به پدیده طلاق پرداخته‌اند، مانند نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز و نظریه آنومی که این آثار ۵۲/۱ درصد مجموعه را تشکیل می‌دهند.

ب) آثاری که در سطح خرد، به کنش افراد و تاثیر آن بر پدیده طلاق توجه نموده‌اند، مانند نظریه کنش متقابل نمادین، تئوری توزیع قدرت، تئوری نیاز-انتظار، تئوری کرختی وجدان جمعی و تئوری خود میان‌بینی و دوری از همدلی که این آثار ۲۶/۲ درصد مجموعه را تشکیل می‌دهند.

ج) نظریه‌هایی که در حوزه روان‌شناختی قرار گرفته‌اند و از تئوری‌های نظریه رشدی- تحولی و نظریه شش مرحله‌ای طلاق استفاده نموده‌اند که ۱۳ درصد آثار را تشکیل می‌دهند. البته در ۸/۷ درصد مطالعات نیز در کنار سایر تئوری‌ها، از نظریه‌های زیست‌شناختی و دیدگاه‌های اسلامی استفاده شده بود.

در تقسیم‌بندی جامع‌تر، نظریه‌های پیرامون طلاق به دو دسته کلی تقسیم می شوند: دسته اول، نظریاتی در مورد خانواده یا همان نظریات جامعه‌شناسی خانواده شامل نظریات مبادله، توسعه خانواده، شبکه، نظام‌ها و نقش‌ها؛ دسته دوم، نظریه‌هایی پیرامون آسیب‌شناسی اجتماعی شامل نظریات آنومی دورکیم و مرتن. در چارچوب نظری این تحقیق از نظریه‌هایی جامعه‌شناسی خانواده، متغیرهایی مثل منزلت شغلی زن و مرد، سطح تحصیلات زن و مرد، درآمد و ناتوانی جنسی و عقیم بودن زن یا مرد از نظریه مبادله (نظریه

منابع ارزشمند) گرفته شده است. از نظریه نقش ها، شیوه انتخاب همسر (مشارکت زن درانتخاب همسر)، فرمانبردار بودن یا تحت سلطه بودن زن و میزان شناخت از همسر اخذ شده است. همچنین، از نظریه شبکه، متغیرهای دخالت والدین زوجین، خویشاوندان و همسایگان در امور خانواده و تصمیم گیری های زوجین گرفته شده است. اما از نظریه آسیب شناسی اجتماعی دورکیم و مرتن، متغیرهایی که به ساخت اجتماعی مربوط هستند مانند محل سکونت زن و شوهر یعنی روستایی یا شهری بودن آنها، مصرف مواد مخدر توسط یکی یا هر دوی زوجین گرفته شده است. همچنین، از متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن زن در ابتدای ازدواج، سن مرد، مدت ازدواج و تعداد فرزندان و غیره استفاده شده است.

براساس تقسیم بندی فوق، ۳۹/۱ درصد آثار از نظریه های جامعه شناسی خانواده، ۱۳ درصد از نظریه های آسیب شناسی اجتماعی و بقیه نیز بصورت ترکیبی از نظریه های خانواده و آسیب شناسی استفاده نموده اند.

- بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر طلاق در آثار بررسی شده

در بررسی مطالعات انجام شده، متغیرهای زیادی بر طلاق مؤثر بوده اند که در یک جمع بندی کلی می توان آنها را در چهار بُعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانشناختی (فردی و شخصیتی) دسته بندی کرد. جدول زیر، مهم ترین و تاثیرگذارترین متغیر طلاق در هر مطالعه را به تفکیک جایگاه آن متغیر در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانشناختی مورد مقایسه قرار داده است.

جدول ۴: بررسی متغیرهای تأثیر گذار بر طلاق در آثار بررسی شده به تفکیک نوع عامل

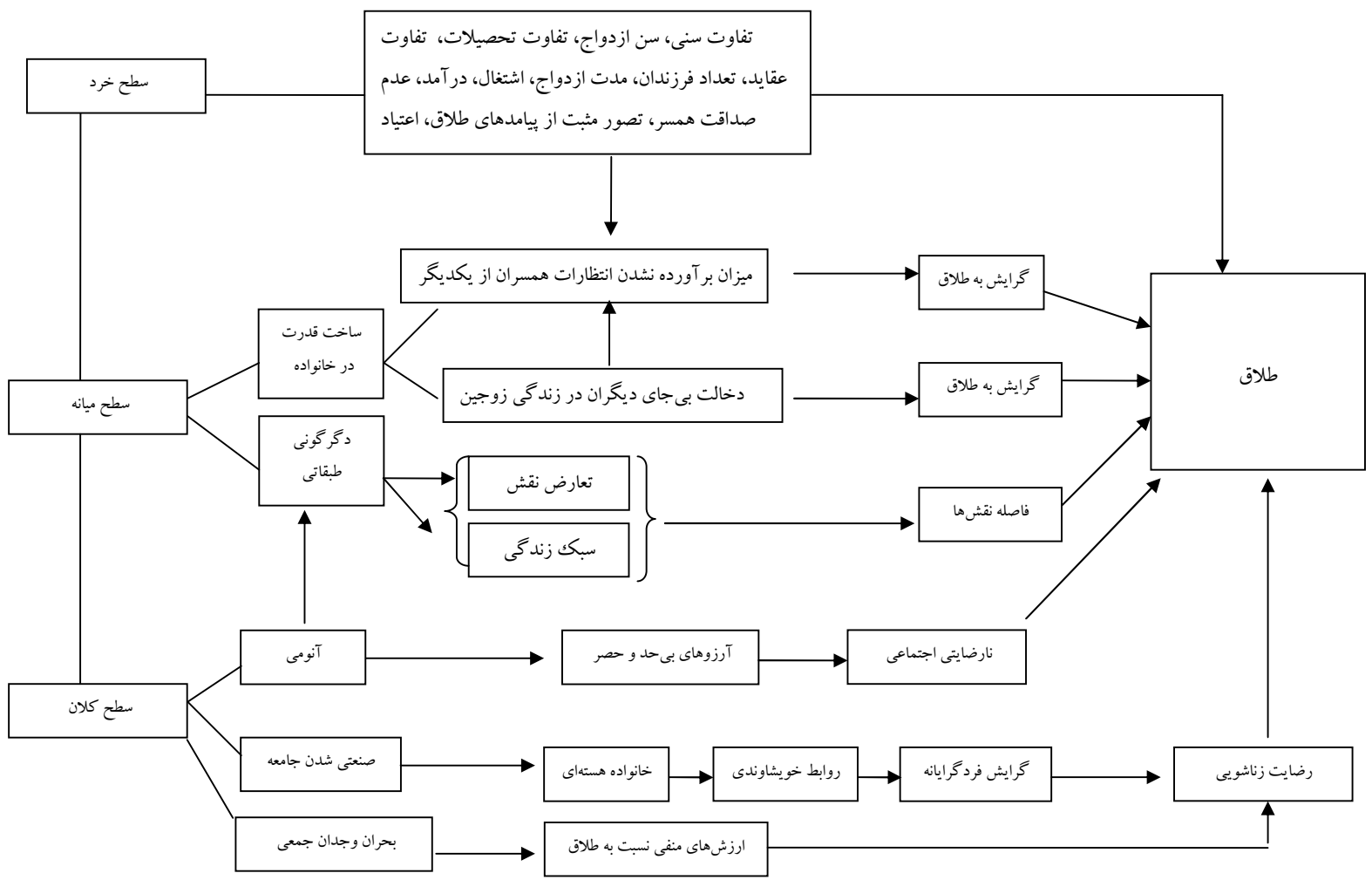
درصد	فراوانی	نوع عامل طلاق				متغیرها
		روانشناختی	اقتصادی	فرهنگی	اجتماعی	
۲۶/۲	۶				*****	عدم تفاهم و تعارضات فکری
۱۳/۲	۳				***	برآورده نشدن انتظارات از همسر
۸/۷	۲				**	شناخت کم از همسر
۸/۷	۲	**				نارضایتی زناشویی
۸/۷	۲				**	کیفیت پایین زندگی
۸/۶	۲				**	بحران ارزشها (توجه به منافع فردی)
۴/۳	۱				*	اعتیاد
۴/۳	۱				*	ضعف در برقراری رابطه با همسر
۴/۳	۱			*		دخالت نابجای اطرافیان
۴/۳	۱	*				ضعف مهارت های رفتاری زوجین
۸/۷	۲		*		*	توسعه اقتصادی و شهرنشینی
۱۰۰	۲۳	۴	۱	۱	۱۷	جمع کل

با توجه به یافته‌های جدول فوق، متغیر "عدم تفاهم، تعارضات فکری و اخلاقی زوجین" با میزان ۲۶/۱ درصد، مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر طلاق در بین نمونه‌های آماری مورد بررسی بوده است. همچنین، متغیر "میزان برآورده نشدن نقش انتظارت از همسر(تناقض نقش)" با ۱۳ درصد به عنوان دومین عامل تاثیرگذار بر طلاق معرفی شده است. متغیرهای "عدم شناخت و شناخت کم از همسر در قبل از ازدواج" با ۸/۷ درصد، "نارضایتی زناشویی (عدم رضایت از زندگی جنسی)"، "اعتیاد"، "ضعف در برقراری رابطه اجتماعی با همسر"، "دخالت نابجای پدر و مادر و سایر افراد دو فامیل"، "ضعف مهارت‌های رفتاری زوجین(حل مشکل)"، "سست شدن باورهای مشترک(شرایط آنومیک) و "بحران ارزش‌ها(توجه به منافع فردی)" به عنوان سایر متغیرهای تاثیرگذار بر طلاق شناسایی شده بودند.

معرفی مدل نهایی طلاق

پس از بررسی نظریه‌های تبیین‌کننده طلاق و بررسی چندین مدل فرضی از میان مدل‌های علی طلاق در آثار بررسی شده، می‌توان یک مدل نهایی جهت تبیین طلاق معرفی نمود. به بیان دیگر، با استفاده از این مدل می‌توان دریافت که چه نظریه‌هایی از قدرت تبیین یا اولویت بیشتری برخوردارند. هرچند باید پذیرفت که با وجود روابط بسیار پیچیده متغیرهای سطوح مختلف برحسب شرایط گوناگون اجتماعی، ارائه الگوی کلی تبیین‌کننده وضعیت و نسبت متغیرها تنها با قدری ساده سازی و تسامح امکان پذیر است.

مدل نهایی علل طلاق براساس نمونه‌های فراتحلیل شده به تفکیک سطوح خرد، میانه و کلان



در توضیح این مدل که پس از ترکیب مدل‌های استفاده شده در نمونه‌های آماری تحقیق به دست آمده می‌توان گفت که شناخت طلاق، نیازمند بکارگیری تئوری‌ها در همه سطوح و در نظر گرفتن تاثیر و اثرات متقابل متغیرها- روان‌شناختی، اقتصادی و متغیرهای زمینه‌ای- است. یکی از ویژگی‌های مهم متغیرهای طلاق این است که همواره ثابت نیستند؛ به عبارت دیگر، متغیرهای ساختاری گرچه از بالا بر سطوح دیگر میانی و خرد تاثیرگذار هستند، ولی خود نیز از سطوح پایین‌تر می‌توانند تاثیرپذیر باشند.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌ها، روش‌هایی مانند "مشاهده" و "روش کیفی" که به نظر روش‌های توانمندتری در مقایسه با سایر روش‌ها در بررسی آسیب‌های همچون طلاق هستند، بسیار کم‌رنگ بودند. با توجه به بحث‌های نظری تحقیق، مطالعه مسئله طلاق نیازمند ورود به یکی از خصوصی‌ترین حیطه‌های رابطه یک فرد و زوج می‌باشد که نیازمند استفاده از روش‌های کیفی، جهت درک واقعی‌تر مسئله و اعتبار بیشتر یافته‌های مطالعات می‌باشد.

استفاده از نظریه‌های همسان همسری، مبادله و شبکه، ویژگی مشترک - تقریباً- تمام مطالعات انجام شده در زمینه طلاق در ایران بوده است. به عبارت دیگر، هر مطالعه بدنبال تکرار مطالعات قبلی است و کمتر محققان این جسارت را به خود داده‌اند تا به دنبال علت‌های پنهان شده طلاق خارج از چارچوب‌های قبلی بگردند. لذا نتایج مطالعات مشابه هستند. با توجه به یافته‌ها، توزیع جغرافیایی طلاق بدین صورت بوده که برای تبیین طلاق در اجتماعات روستایی و یا محیط‌هایی با همبستگی مکانیکی، نظریه همسان همسری از کارایی بیشتری برخوردار بوده - حداقل از این تئوری بیشتر استفاد شده- اما هر چه قدر به سمت کلان‌شهرها از جمله شهر تهران حرکت می‌کنیم، نظریه‌هایی مانند مبادله از قدرت تبیین بالاتری برخوردارند. به نظر می‌رسد در زمینه نظریه‌پردازی در حوزه مسائل خانواده ایرانی با فقر تئوریک مواجه می‌باشیم و این ضعف در اغلب پژوهش‌ها مشهود است.

بر اساس یافته‌ها، متغیر "تفاوت سنی" نقش غیرقابل انکاری بر طلاق دارد؛ به طوری که با افزایش اختلاف سنی زوجین، شاهد افزایش طلاق بوده‌ایم. ضمن اینکه متغیر یاد شده در بیشتر تحقیقات با هر هدفی که انجام شده به عنوان یک متغیر زمینه‌ای و بطور ثابت استفاده شده است. البته این اختلاف سن، از ۳ سال اختلاف به بعد بیشتر به عنوان یک عامل افزایش وقوع طلاق خود را نشان می‌دهد. همچنین، با وجود نتایج متفاوتی که تحقیقات در مورد رابطه تعداد فرزندان و طلاق ارائه نموده‌اند، اما در یک

جمع‌بندی کلی و براساس مباحث نظری می‌توان گفت که با افزایش "تعداد فرزندان" و همچنین متغیر "مدت زندگی مشترک" شاهد کاهش وقوع طلاق در آثار بررسی شده بودیم که با نتایج قبلی از جمله مطالعه قطبی (۱۳۸۲) همخوانی دارد. به بیان دیگر، وجود فرزندان و تعداد آنها به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در کاهش احتمال وقوع طلاق - حداقل در جامعه ما - می‌تواند تاثیرگذار باشد. متغیر "عدم تفاهم اخلاقی" و یا "تعارضات فکری" هم پای ثابت فرضیه‌ها در مطالعات مربوط به طلاق بود که در بیشتر موارد به عنوان یک متغیر غیرقابل انکار در وقوع طلاق، در آزمون فرضیات تایید شده بود.

متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین (۱۴-۸ سال)، تحصیلات زن و سن ازدواج زن با گرایش به طلاق زنان رابطه معنادار و مستقیمی داشته که با نتایج پژوهش‌های دیگر نیز همخوانی دارد.^۱ متغیرهای مدت شناخت و میزان شناخت همسر قبل از ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار و معکوسی دارند؛ به طوری که با افزایش مقدار این متغیرها از مقدار گرایش زنان به طلاق کاسته می‌شود. زنان شهری نسبت به زنان روستایی، زنانی که با همسرشان خویشاوند نبوده‌اند نسبت به زوجین خویشاوند و زنانی که شوهرشان بیش از یک زن داشته‌اند نسبت به تک همسران از گرایش بیشتری به طلاق برخوردارند. همچنین، شیوه آشنایی زوجین بر گرایش زنان به طلاق مؤثر بوده است. متغیرهای مدت شناخت و میزان شناخت همسر قبل از ازدواج با گرایش مردان به طلاق رابطه معنادار و معکوسی دارند.

یافته‌ها نشان دادند که در پنج سال نخست زندگی، بیشترین امکان طلاق وجود دارد و زوجین متقاضی طلاق اغلب بین ۲۰ تا ۲۵ سال سن دارند. این یافته با یافته‌های زرگر (۱۳۸۶)، مارتین و بومباس (۱۹۸۹)، کوردک (۱۹۹۳)، لارسون و هلمن (۱۹۹۴) که سن کم ازدواج را در بی‌ثباتی زناشویی مؤثر دانسته‌اند، همخوانی دارد. دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین براساس نظریه شبکه، به عنوان یک عامل مشترک تاثیرگذار بر طلاق در نمونه‌های مورد بررسی بوده است؛ به گونه‌ای که زوجینی که بدون کمک والدین و به تنهایی همسرشان را انتخاب نموده‌اند و به صورت مستقل زندگی می‌کنند، از شانس بیشتری برای دوام زندگی زناشویی برخوردارند.

علت‌های طلاق در مردان و زنان متفاوت است و بیشتر تحقیقات در بررسی علت طلاق، زوجین را به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در بررسی تاثیر یک متغیر مستقل بر طلاق، علاوه بر تاثیر کلی آن متغیر بر طلاق باید به تاثیر تفکیکی آن بر زنان و مردان نیز توجه داشت. به عنوان مثال، زنان

^۱ متغیرهای سن و تحصیلات به عنوان متغیرهای دموگرافیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما در جدول شماره ۴، متغیرهای غیردموگرافیک آمده‌اند.

بیشتر از مردان، نظرات دیگران را در زندگی زناشویی خود دخالت می‌دهند و تصورات مثبت مردان از پیامدهای طلاق، بیشتر متوجه زنان است و زندگی آنان را بیشتر از مردان تحت تاثیر خود قرار می‌دهند که با نتایج دیگر همخوانی داشت (فاتحی‌دهاقانی، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، ممکن است نظریه شبکه در مجموع عامل تاثیرگذاری در گرایش زوجین به طلاق نباشد، اما همین عامل (دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زناشویی) در بین زنان تاثیرگذار باشد و از طرفی برعکس، متغیری دیگر یعنی تصورات مثبت از پیامدهای طلاق، در مردان تاثیرگذارتر باشد. همچنین، تحصیلات زوجین هر چه بالاتر باشد، احتمال طلاق کاهش می‌یابد، ولی اگر بین میزان تحصیلات زوجین اختلاف وجود داشته باشد، احتمال طلاق افزایش می‌یابد و برعکس، هر چه تحصیلات زوجین مشابه باشد، احتمال وقوع طلاق کاهش می‌یابد. به لحاظ تفاوت سنی، اگر سن زن بیشتر از مرد باشد، احتمال وقوع طلاق بیشتر می‌شود.

اما متغیری مانند "تعداد فرزندان" و "مدت زندگی مشترک"، هم در بین زنان و هم در بین مردان باعث کاهش گرایش به طلاق می‌شود که البته این نکته، حکایت از پیچیده‌تر شدن مطالعه عوامل مربوط به طلاق دارد. یافته‌های مطالعه حاضر در تحکیم مبانی نظری و تایید یافته‌های پژوهشی پیشین می‌باشند. به عنوان مثال، براساس نظریه شبکه، هر چه دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی بیشتر باشد، گرایش آنان به طلاق افزایش می‌یابد. همچنین، نظریه مبادله پیش‌بینی می‌کند زمانی که هر یک از زوجین، هزینه‌های زندگی زناشویی را بیش از منافع آن ارزیابی نمایند، احتمال گسستن این رابطه وجود خواهد داشت.

در برخی مطالعات به نقش متغیر بهداشت جنسی پرداخته شده (آزادی، ۱۳۸۹) اما در مجموع، کم‌رنگ بودن متغیرهای اقتصادی و رضایت زناشویی بویژه متغیرهای بهداشت جنسی، بیماری‌های جسمی و مستمر زن و مرد، ناباروری و روابط نامشروع جنسی یکی از زوجین (خیانت جنسی)، از دیگر یافته‌های مطالعه حاضر می‌باشد که به عنوان "تابوهای پژوهشی" از آن یاد می‌شود. نقش پایین متغیرهای اقتصادی با یافته‌های مارتین و بومباس (۱۹۸۹)، کوردک (۱۹۹۳)، ویدانوف (۱۹۹۰) و وستمن (۲۰۰۴) مطابقت نداشت - شاید به این دلیل که متغیرهای اقتصادی به عنوان علت طلاق بسیار کم مورد سنجش قرار گرفته‌اند و از وزن کمتری در پیش‌بینی طلاق برخوردارند. متغیر "خیانت جنسی"، در مطالعات آماتو^۱ و راجرز^۲ (۱۹۹۷) و سوت^۳ و لیود^۴ (۱۹۹۵)، به عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی کننده طلاق بوده‌اند که شاید دلیل آن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع باشد. به هر حال به نظر می‌رسد متغیر یاد شده، نقش مهمی را در تبیین طلاق ایفا می‌کند که در نمونه‌های

¹ Amato

² Rogers

³ South

⁴ Liody

مطالعه حاضر، نادیده گرفته شده‌اند. هم اکنون، "هنجاری شدن طلاق"، آن را از شکل تابوگونه‌ای که در پیش داشت خارج نموده و به تبع آن، سهل‌گیرانه‌تر شدن نگرش افراد جامعه به طلاق را در پی داشته است. از نظر محقق، نباید مسئله طلاق را تنها یک آسیب تلقی نمود، بلکه باید به آن یک نگاه تحولی هم داشت؛ چرا که از دیدگاه دورکیم، هر جامعه می‌تواند میزانی از طلاق داشته باشد، اما باید این میزان، کم باشد. این که هر جامعه بتواند میزانی از طلاق داشته باشد، نشان دهنده آن است که آزادی انجام طلاق در جامعه وجود دارد. لذا جامعه بی‌طلاق جامعه ایده‌آل نیست. به بیان دیگر، بهتر است که آمارهای طلاق در استان‌ها در کنار آمار سایر آسیب‌های اجتماعی بررسی شود و از ایجاد تفکری که لزوماً ازدواج‌های باقی‌مانده را در شرایط مثبت ارزیابی می‌کند، جلوگیری کرد؛ چرا که همین آسیب‌های اجتماعی ثانویه، خود می‌توانند به بروز آسیب‌های دیگر بینجامند. به عنوان مثال، کم بودن نرخ آمار طلاق در استانی چون ایلام با ۶۳۷ مورد^۱ در سال ۱۳۹۱ می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد که لزوماً مثبت و سازنده نیست. قبح اجتماعی و عرفی بیش از حد طلاق و تأکید بر ادامه زندگی تحت هر شرایطی، نداشتن امکان گذران اقتصادی زندگی در صورت طلاق، وجود قتل‌های ناموسی و تهدید به آن در صورت درخواست طلاق زن و ترس از طرد اجتماعی پس از طلاق، همگی از مسائلی هستند که می‌توانند از بروز طلاق در این استان جلوگیری کنند و خود ایجادکننده آسیب‌های اجتماعی دیگری همچون: خودکشی و خودسوزی زنان، قتل شوهر، قتل زن یا فرزندان در حین خشونت‌های خانگی، اعتیاد، فرار از منزل و ارتباط نامشروع هستند- آسیب‌هایی که مرتب اخبارشان را در رسانه‌های جمعی می‌بینیم و می‌خوانیم. این جامع‌نگری به مسئله طلاق در مطالعات انجام شده در ایران، بسیار کم‌رنگ و گذراست.

در مجموع با توجه به نتایج تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات انجام شده در زمینه طلاق (بویره پایان‌نامه‌های تحصیلی) نیاز مبرم به سامان دهی دارند؛ از جمله: انتخاب موضوعات مطالعات، تدوین اهداف و فرضیات، روش‌های پژوهش، ابزارهای مورد استفاده، تحلیل داده‌ها و ارائه راهکارها. دستیابی به دقت علمی، مدیون مطالعاتی همانند فراتحلیل‌هاست تا از طریق آنها با رفع کاستی‌های روش‌شناختی، پژوهش‌ها سامان بیشتری یابند.

عناوین پژوهشی کلی که در نتیجه اهداف گسترده‌ای را نیز به دنبال دارند، از جمله ضعف‌های عمده این تحقیقات بود. ارائه راهکارهای کلی برای کاهش میزان طلاق و عملیاتی نبودن آنها نیز از دیگر انتقادات

۱ توضیح اینکه آمار طلاق استان ایلام در بخش مقدمه، فقط مربوط به آبان ماه ۱۳۹۰ بوده، در حالی که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری، مربوط به طول سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

وارد به این مطالعات بود. تقریباً هیچ کدام از موضوعات، در تکمیل و یا ادامه تحقیقات قبلی نبودند که این نکته، "جزیره ای بودن" مطالعات در این حوزه را نشان می دهد. به عبارت دیگر، پژوهش ها در کشور ما، در حمایت و تکمیل یکدیگر انجام نمی شوند و لازم است تا متولی خاصی برای این مقوله تعیین شود تا در حد امکان، پژوهش ها را جهت دهی نماید و از پراکندگی موجود بکاهد.

هم اکنون، طلاق این پدیده شوم، به یک دغدغه ملی بدل شده و نیازمند عزمی ملی و هماهنگی تمامی سازمان های ذیربط از جمله قوه قضائیه، وزارت کشور، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و سازمان بهزیستی می باشد.

منابع

- آزادی، شهذخت و همکاران (۱۳۸۹) "ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره برداری نفت گچساران". مجله زن و بهداشت. دوره پاییز.
- اسماعیل‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۸۸) "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان". سازمان ملی جوانان.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۶) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: علمی
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) طلاق. تهران: دانشگاه تهران
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۹) "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب شناسی اجتماعی ایران". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۷۹، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبائی، قاضی و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹) فرا تحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه شناسان
- فاتحی دهقانی، ابوالقاسم (۱۳۹۰) "تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان". مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۵: ۵۴-۱۳.
- میری‌آشتیانی، الهام (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران. تهران: فرهنگ گفتمان
- نیازی، محسن و صدیقی‌ارفعی، فریبرز (۱۳۹۰) جامعه شناسی طلاق. تهران: نشر سخنوران

فهرست مقاله ها، پایان نامه‌ها، طرح‌ها و کتاب‌های استفاده شده (نمونه‌های تحقیق)

- آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۴) "عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی مورد: شهر تهران". فصلنامه تخصصی جامعه شناسی. سال اول، شمار ۲.
- بهاری، فرشاد، صابری، سیدمهدی (۱۳۸۳) "مقایسه عملکرد خانوادگی زوجهای در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوج‌های غیرمطلقه". مجله علمی پزشکی قانونی. ۱۰(۳۴): ۷۹-۷۵.
- بهاری، فرشاد (۱۳۸۸) "تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر میزان تعارض‌های زناشویی زوجهای متعارض متقاضی طلاق". پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. سال اول، شماره ۱.

- پیران، پرویز (۱۳۶۹) "در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق: برخی ملاحظات روش‌شناختی". ماهنامه اجتماعی - اقتصادی رونق. شماره ۱.
- حفاریان، لیلا؛ آقایی، اصغر؛ کجباف، محمدباقر و کامکار، منوچهر (۱۳۸۸) "مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز". فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. سال یازدهم، شماره ۴۱.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر، بهرامی، کاکاوند سیاوش (۱۳۸۶) "تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق". زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۵ (۳): ۱۴۰-۱۰۹.
- زرگر، فاطمه؛ نشاط‌دوست، حمیدطاهر (۱۳۸۶) "بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان". فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۳ (۱۱): ۷۴۹-۷۳۷.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵) "عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در شهر تهران". رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ثنایی ذاکر، باقر و باقریان نژاد، زهرا (۱۳۸۲) "بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان". فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. سال پنجم، شماره ۱۵.
- سپهریان، فیروزه (۱۳۷۹) "بررسی مقدماتی عوامل موثر بر طلاق و راه‌های پیشگیری از آن". فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال دوم. بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره پنجم و ششم.
- فروتن، سیدکاظم و جدید میلانی، مریم (۱۳۸۶) "بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده". دوماهنامه دانشور پزشکی. شماره ۷۸، دی ۱۳۸۷.
- قطبی، مرجان و همکاران (۱۳۸۲) وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران
- غیائی، پروین؛ معین، لادن و روستا، لهراسب (۱۳۸۸) "بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده‌ی شیراز". فصلنامه جامعه‌شناسی زنان. سال اول، شماره ۳.
- قطبی و دیگران (۱۳۸۲) "وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال سوم، بهار ۱۳۸۳، شماره ۱۲، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶) "بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود". فصلنامه دانش انتظامی. ۹ (۳).
- کردزنگنه، جعفر (۱۳۸۷) "بررسی پویایی ازدواج و طلاق در ایران با تأکید بر سرشماری سال ۱۳۸۵". تهران: ماهنامه مهندسی فرهنگی. سال سوم، شماره ۲۱ و ۲۲.
- مشکی، مهدی و همکاران (۱۳۹۰) "بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷". افق دانش. شماره ۱۷ (پیاپی ۵۱): ۳۵-۴۳.
- ملتفت، حسین (۱۳۸۱) "بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- هاشم‌زهی، نوروژ (۱۳۸۶) "فرا تحلیل پژوهش‌های طلاق در کلان‌شهر تهران". دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر تهران.
- یاری، مازیار؛ وظیفه‌دوست، حسین (۱۳۸۳) "وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد". رفاه اجتماعی. بهار ۱۳۸۳.

- Amato, P. R & Keith, B. (2001) "**Children of Divorce in the 1990s: An Update of the Amato and Keith Meta-Analysis**". Journal of Family Psychology. Volume 15, Issue 3, Pages 355-370
- Amato, P. R & Keith, B. (1991) "**Parental Divorce and the Well-Being of Children: A Meta-Analysis**". Psychological Bulletin. Volume 110, Issue 1, Pages 26-46
- Foroutan, S.K. (2008) "**The prevalence of sexual dysfunction among divorce requested**". Daneshvar Medical Journal 2008; 16(78): 11-17.
- Zahirodin, A.R., Khodaefer, F. (2003) "**Personality profile review referred to family court in Tehran in 2001**". Feiz Magazine 2003.4(25):47-50
- Wagner, M. & Weiss, B. (2004) "**On the variation of divorce risks in Europe: a meta-analysis**". The 3rd Conference of the European Research Network on Divorce.
- Wright, G. (1988) "**Revitalizing exchange models of divorce**". Social casework 56, (4). 205-212.

A Systematic Review of Research Studies on Divorce

Ali Asghar Esmaelzadeh

Academic Member, Kharazmi Academic Center of Education, Culture and Research

Ali Baghaee

Ph.D. in Sociology, University of Tehran

Shahla Amidi

Received:13 Aug. 2014

Accepted:18 Oct. 2014

The most complex and ambiguous relationship is the one which exists between a Couple (a husband and a wife). Therefore, to achieve the information about is very difficult and may be impossible in some circumstances. This study was to review a set of factors affecting the divorce systematically. So, all researches and study factors related to divorce were gathered and finally, 23 studies chosen to "Systematic Review". Total sample size of the study population was over 577957 people among the divorced couple that could cause results to be valid any more. There are some theories such as the same theory of wife swapping, network and social stratification and common feature - almost –in all of the studies on divorce in Iran. Take the divorce on the map indicates the extent and causes of divorce based on different cultural and social differences. A unique feature of this study is to identify the models used in the studies on divorce and provide a "Hybrid Theory".

Key Words: Divorce, Systematic Review and Hybrid Theory